



پیشرفت جمهوری اسلامی برای غرب غیرقابل تحمل است. هر وقت صدای قدرتمندی جمهوری اسلامی بلندتر بوده، تلاش دشمن برای پنجه زدن به جمهوری اسلامی بیشتر بوده است. مشکل غرب، استکبار، با جمهوری اسلامی این است که جمهوری اسلامی دارد پیشرفت میکند، دارد رونق میگیرد، این پیشرفت را همه‌ی دنیا دارند می‌بینند و به آن اعتراف میکنند. این برای غرب غیر قابل تحمل است، این را حاضر نیست تحمل کند. اگر ما پیشرفت نمی‌کردیم، اگر ما حضور قدرتمند در منطقه از خودمان نشان نمیدادیم، اگر ما در مقابل آمریکا و استکبار صدامیان می‌لرزید، حاضر بودیم زورگویی آنها، قلدری آنها را قبول بکنیم، این فشارها کمتر میشد؛ البته می‌آمدند تسلط پیدا میکردند، اما دیگر تحریم و این فشارها و این چالشهای این‌جوری کم میشد. هر وقت جمهوری اسلامی در این سالها چون اوضاع مختلف بوده دیگر، میدانید خودتان - هر وقت صدای قدرتمندی جمهوری اسلامی بلندتر بوده، تلاش دشمن برای پنجه زدن به جمهوری اسلامی بیشتر بوده.

۱۴۰۱/۸/۲۸

# چرخش

## از جوشش تا جنبش سرگذشت اعتراضات دانشجویی ایران

صفحه دوم

پس از دوازده سال چه برآیمان آورده‌اید؟

صفحه سوم

وام‌هایی که گرداننده چرخ زندگی هستند

صفحه چهارم

کتاب، دریچه افکار

### نرگس رضائی

عضو فعال انجمن دانشکده

با تأسیس مراکز آموزش عالی و به طور مشخص دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳، اولین جنبش‌های دانشجویی با ماهیتی متفاوت از آنچه امروزه شاهد هستیم، به وجود آمدند. دوره اول جنبش دانشجویی، مصادف با تأسیس دانشگاه تهران بوده و تا نزدیک به یک دهه بعد از آن را در بر می‌گیرد. آغاز دومین دوره جنبش دانشجویی را می‌توان از زمان تبعید رضا شاه دانست که نهایتاً به کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ختم گردید. در این دوره سه گرایش عمده در فضای دانشگاهی کشور قابل ملاحظه می‌باشند: گرایش‌های مارکسیستی، ناسیونالیستی و اسلامی. سومین دوره جنبش دانشجویی ایران را باید از کودتای ۱۳۳۲ تا یک دهه پس از آن به شمار آورد. طی این دوره در حالی که وقایع تأثیرگذاری مانند کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سرکوب‌های شدید هر نوع فعالیت سیاسی از سوی رژیم فضای سیاسی کشور را با نوعی رکود مواجه ساخته و فعالان سیاسی را به انزوا کشانده بود یکی از پربرآیندترین صفحات تاریخ جنبش دانشجویی رقم خورد. همچنین در همین دوره واقعه خونین ۱۶ آذر ۱۳۳۲ رقم خورد که طی آن دانشگاه و دانشگاهیان به خاک و خون کشیده شدند. چهارمین دوره جنبش دانشجویی، دوران پرتحرکی برای دانشجویان رقم زد که با افزایش فعالیت‌های سیاسی- دانشجویی همراه بود. از علل آن می‌توان به تأثیرات وقایع مهم سیاسی- اجتماعی

تخلیه قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲ و تبعید امام خمینی، افزایش ظرفیت دانشگاه و تعداد دانشجویان مشغول به تحصیل در دهه ۱۳۴۰ نسبت به دوره‌های قبل، اشاره کرد. مبارزات دوران منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی برای جنبش دانشجویی ایران رخدادی منحصربه‌فرد به شمار می‌آید؛ زیرا آنها موج عظیمی بودند که در برای خروشان ملت علیه رژیم ستمشاهی مبارزه نموده و نهایتاً با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به خواسته‌های خود نائل شدند.

اقدام کرده و خارج از هر چارچوبی، بدون در نظر گرفتن اثرات سوء رفتارهایشان دست به عمل می‌زنند. با داشتن گوشه چشمی به مرام‌نامه انضباطی دانشجویان برای هر کسی مسلم خواهد شد که توهین، فحاشی، هتاک، نشر اکاذیب و مزاحمت در ایجاد برنامه‌های دانشگاه، عدم رعایت شئون دانشجویی و... تنها گوشه‌ای از اعتراضات ظاهراً به حق برخی افراد بود. به عبارتی می‌توان گفت اگر اعتراضات در چارچوب قانون قرار می‌گرفت و از اهمیت تک‌روی کاسته می‌شد و



### واقعیت جنبش‌های اخیر

آنچه از این مطالب برمی‌آید این است که اعتراضات دانشجویی تاریخچه مفصلی دارد؛ بنابراین روشن می‌گردد این جنبش‌ها همچون هرکنش اجتماعی دیگر برای بقا و اثربخشی نیازمند چارچوب مشخص است. باتوجه به اعتراضات اخیر دانشجویان به عنوان قشر تحصیل‌کرده، به نظر می‌رسد آنها به دور از مسئولیتی که عهده‌دار هستند

سنگینی می‌کند این است که دانشجویی این مملکت به خصوص کسی که دغدغه جامعه‌اش را دارد در هیچ صورت مطیع اوامر نامشروع و غیرعقلانی دیگران شود. کسی که بخواهد با دیگری دشمنی کند در حالت منطقی صریحاً خصومتی که در سینه دارد را ابراز نمی‌کند، زیرا قرار بر این است در مسالمت‌آمیزترین حالت ممکن هدف شومش به نتیجه برسد. (اگرچه زمانی که توانایی‌اش را نداشته باشد به زور هم متوسل می‌شود.) در این نقطه علم به رسانه و جنگ نرم بیش از پیش اهمیت پیدا می‌کند. دشمن دائماً بر جنایات فجیع خود سرپوش گذاشته و خود را به شکل مدینه فاضله جلوه می‌دهد و با قدرت رسانه، دروغ و تحریف واقعیت تلاش بر ایجاد ناآرامی می‌کند، به این وسیله مجال مواجهه منطقی و اتخاذ بهترین تصمیم در برخورد و حل مسائل اجتماعی را از ما می‌گیرد. البته در این میان نباید از افراد به ظاهر معتدل و میانه‌گرا غافل شد که آسیب منافع از دشمن بیشتر است. افرادی که با ظاهر مطلوب و شایسته سعی بر تحقق اهداف شیطانی خود دارند. دانشجو عهده‌دار سرنوشت کشورش است، به همین دلیل باید حتی در انتخاب دغدغه‌هایش هم دقت به خرج دهد. یک دانشگاه باید سرنوشت ملت را بسازد. نباید قدرت آن را در سعادت‌مندی جامعه نادیده گرفت. از وظایف دانشجو این است که به هر وسیله با دشمنان که با صورت‌های گوناگون ظاهر می‌شوند بجنگد و قطعاً با کمک خدا در این راه پیروز است.

خودبرتری‌بینی جایش را به تأمل در این بزنگاه‌های اجتماعی می‌داد، می‌توانستیم با به اشتراک گذاشتن نظرات و تفکرات یک قدم به هدفمان که اصلاح جامعه است نزدیکتر بشویم. البته بنده فکر می‌کنم توجه به وظایفی که دانشجو دارد مسیر او را بیش از پیش در پستی و بلندی‌های روزگار مشخص می‌کند. آنچه کف‌های اهمیتش بیش از هر مورد دیگری

## پس از دوازده سال چه برایمان آورده‌اید؟

نگاهی به دستاوردهای دوازده سال تحصیل

فاطمه حکیم زاده

عضو فعال انجمن دانشکده



اینجا نه به عنوان یک دانشجو بلکه به عنوان یک دانش آموزی که دوازده سال در این سیستم آموزشی درس خوانده‌ام و مدرسه‌ای دولتی، غیر انتفاعی و هیئت امنایی را در شهرهای مختلف تجربه کرده‌ام، می‌نویسم.

متفرقه داشته باشم. خواندن کتاب‌های مختلف، کلاس‌ها و فعالیت‌های غیر درسی و... تمام این موارد باعث شد اکنون فقط یک دانشجوی عادی نباشم و درس خواندن بخشی از زندگی‌ام باشد نه همه‌ی آن!

فرقی نمی‌کند کجای ایران باشی و در چه مدرسه‌ای درس بخوانی اگر سوال کنند دستاورد این دوازده سال تحصیل چه بوده است تمام چیزهایی که نام می‌بری خارج از درس و مدرسه است!

مدرسه‌ای که یاد می‌آید که زمان کنکور با حسرت به کتابخانه‌ام خیره می‌شدم و روی میزم پر از کتاب‌های تست بود. آن روزها کمتر وقت دست به قلم شدن داشتم و به ندرت داستان می‌نوشتم. به جایش درگیر نوشتن هزاران جزوه‌ی رنگارنگ بودم. آن روزها فعالیت‌های بعد از کنکورم را لیست می‌کردم و لحظه شماری می‌کردم زودتر این روزها تمام شود و برنامه‌های درسی‌ام را از صحنه‌ی روزگار حذف کنم.

اگر در این چند سال کسی اوقات فراغتش را با آموختن مهارت‌های مختلف پرکرد، از هم سن و سالان خود چند پله جلوتر است درگیر این صورت قافیه را باخته است.

سال‌های آخر دوران دانش آموز بودنم متفاوت‌تر از همیشه گذشت، حضور کرونا باعث شد وقت بیشتری برای انجام فعالیت‌های

مختلف در اختیار ما قرار بگیرد. به جای تکیه بر تئوری‌های خشک و بعضاً بلااستفاده، مهارت محورتر بود. یا اصلاً به ما فرصتی می‌داد که خودمان پیگیر کارهای مورد علاقه و استعدادهای ناشناخته‌مان باشیم و خودمان، خودمان را پیدا کنیم.

ذهن ما پر بود از داده‌های کم ارزش کتاب‌های درسی و جایی برای داده‌های ارزشی باقی نمانده بود. ما در گرداب امتحانات و محفوظات اجباری غرق شده



که دانش آموز نمی‌داند در چه مواردی استعداد دارد. آخر کسی که هرگز کارهای متفاوت را امتحان نکرده است و فقط درس خوانده فرصتی برای محک زدن خودش در زمینه‌های دیگر را نداشته است. به همین خاطر وقتی به استعدادهای خودش پی می‌برد که خیلی دیر است و کار از کار گذشته است.

بودیم. تپش قلب‌های مکرر جزئی از وجودمان شده بود. دوازده سال هیچ چیز یاد نگرفتیم، گاهی سعی کردیم کنار بیاوریم، گاهی از درس خواندن لذت بردیم، چون نمره خوب می‌گرفتیم، گاهی سر کلاس خوش می‌گذشت چون با معلم شوخی و خنده داشتیم. مدرسه می‌رفتیم به ذوق اردو و زنگ تفریح و پیچاندن درس‌ها.

در یک کلام: هدف ما در این دوازده سال نه تنها آموختن نبود بلکه گذر از این دوران بود!

این همه آسمان ریسمان بافتن برای آن بود که بگویم ما اگر در این دوازده سال خودمان دست نمی‌جنبانیدیم هیچ چیز عایدمان نمی‌شد. اگر خودمان دنبال خودمان نمی‌گشتیم خیلی دیرتر از زمانی که باید، به خودشناسی می‌رسیدیم و اگر دغدغه‌ی یادگیری نداشتیم یک دانش آموز عادی بودیم که هنوز هم چیزی برای زندگی‌اش نیاموخته است.

این همه آسمان ریسمان بافتن برای آن بود که بگویم ما اگر در این دوازده سال خودمان دست نمی‌جنبانیدیم هیچ چیز عایدمان نمی‌شد. اگر خودمان دنبال خودمان نمی‌گشتیم خیلی دیرتر از زمانی که باید، به خودشناسی می‌رسیدیم و اگر دغدغه‌ی یادگیری نداشتیم یک دانش آموز عادی بودیم که هنوز هم چیزی برای زندگی‌اش نیاموخته است.

مدرسه می‌رفتیم به ذوق اردو و زنگ تفریح و پیچاندن درس‌ها. در یک کلام: هدف ما در این دوازده سال نه تنها آموختن نبود بلکه گذر از این دوران بود!

## وام‌هایی که گرداننده چرخ زندگی هستند

بررسی تسهیلات مختص به بانوان سرپرست خانوار

زنان سرپرست خانوار که به دلیل فوت همسر و... مسئولیت اقتصادی و معیشتی خانواده را برعهده دارند، نسبت به سایر خانوارها در شرایط سخت‌تری قرار دارند.

شرایطی همچون بحران‌های اقتصادی، فقر، نبود شغل مناسب و... لذا به منظور کاهش چنین مشکلاتی برای این قشر از جامعه باید اقدام‌های مؤثری کرد.

همچنین می‌بایست حمایت‌های غیرمستمر از جمله در حوزه آموزش، ازدواج، مسکن، درمان و بیمه برای آنها انجام شود. به هر حال آنچه در قالب برنامه‌های مختلف حمایتی در حوزه زنان سرپرست خانوار اجرا می‌شود، با هدف خودکفایی و توانمندسازی آنها است تا بتوان بخشی از فشارهای اقتصادی بر دوش آنها را کاهش داد.

توانمندسازی به عنوان امری ضروری جهت توانمند شدن افراد کم درآمدتر، برای رسیدن به حقوقشان از طریق سازمان‌های موجود است. از این روش‌های متفاوتی برای توانمندسازی وجود دارد. در کمیته امداد امام خمینی(ره) شیوه‌نامه توانمندسازی در سه فصل با عناوین دستور العمل آموزشی، اقتصادی و روان شناختی خانواده می‌باشد.

توانمندسازی به عنوان امری ضروری جهت توانمند شدن افراد کم درآمدتر، برای رسیدن به حقوقشان از طریق سازمان‌های موجود است. از این روش‌های متفاوتی برای توانمندسازی وجود دارد. در کمیته امداد امام خمینی(ره) شیوه‌نامه توانمندسازی در سه فصل با عناوین دستور العمل آموزشی، اقتصادی و روان شناختی خانواده می‌باشد.

در راستای اجرای طرح مصوب اقداماتی صورت گرفته. به عنوان مثال وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

در راستای اجرای طرح مصوب اقداماتی صورت گرفته. به عنوان مثال وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی



زهره سادات شهیدی

دبیر فرهنگی انجمن

نسبت به ایجاد هماهنگی‌های لازم به منظور سپرده گذاری و همچنین معرفی زنان سرپرست خانوار واجد شرایط اقدامات لازم را انجام می‌دهد. همچنین سازمان پایگاه رفاه ایرانیان با تقویت منابع قرض الحسنه امکانات برای اعطای تسهیلات به جامعه هدف و احراز صلاحیت متقاضیان را بهبود می‌بخشد. این ها از جمله اقداماتی است که در حوزه زنان پا به عرصه عمل گذاشته و

همسرش را از دست داده و دغدغه‌ی اصلی وی تأمین هزینه‌های زندگی همچنین معرفی زنان سرپرست خانوار واجد شرایط اقدامات لازم را انجام می‌دهد. همچنین سازمان پایگاه رفاه ایرانیان با تقویت منابع قرض الحسنه امکانات برای اعطای تسهیلات به جامعه هدف و احراز صلاحیت متقاضیان را بهبود می‌بخشد. این ها از جمله اقداماتی است که در حوزه زنان پا به عرصه عمل گذاشته و

همسرش را از دست داده و دغدغه‌ی اصلی وی تأمین هزینه‌های زندگی همچنین معرفی زنان سرپرست خانوار واجد شرایط اقدامات لازم را انجام می‌دهد. همچنین سازمان پایگاه رفاه ایرانیان با تقویت منابع قرض الحسنه امکانات برای اعطای تسهیلات به جامعه هدف و احراز صلاحیت متقاضیان را بهبود می‌بخشد. این ها از جمله اقداماتی است که در حوزه زنان پا به عرصه عمل گذاشته و



آینده بچه‌ها خوابم نمی‌برد اما می‌دانم راه درازی در پیش دارم و تمام تلاشم را برای موفقیت و خوشبختی فرزندانم به کار می‌گیرم.»

بنابراین انتظار می‌رود با افزایش چنین اقداماتی در جامعه شاهد رشد روز افزون این اقشار از جامعه باشیم؛ تا بتوانیم با به‌کارگیری مهارت‌هایشان، هم به

ارائه خدمات در جامعه کمک کنیم و هم با قرار دادن فرصت‌های شغلی به این افراد به وضع زندگی خودشان کمکی کرده باشیم.

### جرعه‌ای مصاحبه

آن چه در مسئله درک و توان افزایی زنان سرپرست خانوار بیش از کمک‌های حمایتی ضروری به نظر می‌رسد، شناسایی دغدغه‌های واقعی این قشر است. مصاحبه‌های زیادی با چنین افرادی انجام شده.

به عنوان مثال شخصی ۳۸ ساله با سه فرزند چند سالیست که

## کتاب، دریچه افکار

### نقدی بر ضعف در کتابخوانی به همراه معرفی دو کتاب

به میان عابران، از پس پیچ و خم خیابان، درخود پیچیده از سودای زمهریر آسمان، به مهمان جدید فصل خزان خوش آمد می‌گویم.

نگاهم به سرمایه‌های زرد مددکارِ نهن‌دیدگان است و صدای خش خش زیبایی پاییز در گوشم طنین‌انداز است. فکرم اما نمی‌دانم کجاست؟ شاید مسافر ماشین زمان برای سفر به گذشته و آینده یا در بررسی مسیر سری هم به آسمان می‌زند و همنشین این کتاب‌های چیده شده در کنار خیابان... عه کتاب! چنگی به افکار در حال پروازم می‌زنم و در قفس آهنین ذهنم محبوس می‌کنم تا آسوده سرگرم نگرستن مکتوبات پیش رویم شوم.

چندتایی در نظرم آشنا آمد، تعریفش را جایی خوانده یا شنیده‌ام. برخی را اما زندگی کرده‌ام. پیمان دوستی بستیم. همگام یکدیگر پیش رفتیم. ساعتی شکوفه‌های شمع بودیم. ساعت دیگر سونامی تعجب را تجربه کردیم و اندکی بعد سرنوشت‌مان به جوشش آتشفشان پرسش منتهی می‌شد. در پایان یکدیگر را با لبخند بدرقه کردیم تا شاید در گذر روزگاران ملاقات دیگری داشته باشیم.

بخشی البته در زیرمجموعه کتاب‌های ذهنم عضو تهی را به خود نسبت داده‌اند. از نگاه کنج‌کاو مرد مقابلم متوجه می‌شوم که همانند من چیزی نفهمیده و مشغول حدس موضوع کتاب از نشانی و نقش جلد آن است.

پس از درگیری کوتاهی با کتاب‌ها نهایتاً عزم به رفتن می‌کند و من نگاهم را از رهگذران به کتاب‌ها هدیه می‌کنم. به وبلاگ آقای محمدرضا شعبانعلی می‌اندیشم. جملات مهم آن را مرور می‌کنم: «بخشی از زندگی ما به مشاهده و تجربه مستقیم دنیا می‌گذرد. مانند وقتی در شهر قدم می‌زنم و رفتار مردم را می‌بینم. وقتی در مترو ایستاده‌ام و به حرف‌های دیگران گوش می‌دهم.» بخش‌هایی از زندگی ما به تجربه‌ی مانند وقتی کتاب و یا مستند می‌بینیم و از صاحب اثر می‌خواهیم که جهان را از نگاه خودش به ما نشان دهد. من فکر می‌کنم ذات مطالعه، پذیرش این نکته است که تجربه با واسطه دنیا در برخی زمان‌ها و بعضی زمینه‌ها می‌تواند مفیدتر از تجربه بی‌واسطه دنیا باشد. همان‌طور که چشم مسلح چیزهایی را می‌بیند که از چشم غیرمسلح پنهان است.»

من اما کتاب را پنجره‌ای به سوی جهانی شگرف و چشم‌نواز، به همراه جزئیات خیره‌کننده‌ای می‌پندارم که مناظری را در پیش دیدگان کوچکم هویدا می‌کند که تا کنون از آن آورده‌ای نداشته و وجود آن در سپاه پرده ناآگاهی بر من پوشیده شده بود.

نگاهی تا میانه عمیق از همان‌هایی که به وجود قدرت عقل در تو شک

می‌برند و حاوی پیامی از جنس «اگر مشتری نیستی پس وایسا کنار» از سوی دست فروش کتاب دریافت می‌کنم و عزم را بر شتابان رفتن جزم می‌کنم. قدمی از پس قدم دیگر برمی‌دارم و اجازه غوطه‌ور شدن در افکارم را صادر می‌کنم. آخرین کتابی که با چشم اسمش را شکار کردم، کتاب شعری از آقای موسوی گرم‌رودی بود. در پندار من جمله‌ای زیبا از ایشان نقش بسته که: «ما هر آنچه که می‌خوانیم، هستیم»

و شاید در این زمینه من و آقای شعبانعلی هم عقیده باشیم که بخشی از بی‌میلی‌ها نسبت به مطالعه، از بی‌میلی ما نسبت به کشف جهان و رمز و رازهای ژرف آن است

در کناره چهارراه به احترام چراغ قرمز می‌ایستم و در انتظار رنگ سبز به ماشین‌ها خیره می‌شوم.

در نگاه من کتاب گاه به‌مانند سربازی در تلاش برای پاسداری از حقایق است و یا در نقش داستانی جستجوگر در تکاپو برای پدیدار کردن رازهای پنهان ظاهر می‌شود و دیگر بار در پناه‌گاهی دوازده‌سره، تو را کنار شومینه می‌نشاند، با یک نوشیدنی گرم تو را همگام روزمرگی‌ها و ریزاتفاقات نادیده اطرافت می‌کند و حتی گاهی دو بال به دستت می‌دهد تا اسباب سلوک در آسمان‌ها باشد. اگر میلی برایشان نباشد چه خواهد

## یاس حکمت

### عضو فعال انجمن دانشکده

شد؟

با برخورد سخت به شانهم، یک طرف آن تقریباً به گوشه‌ای پرتاب شد، نگاهم را به فرد کنارم دادم و با لبخند به عذرخواهی‌اش پاسخ گفتم و مانند سایرین از روی راه‌های سفید خیابان عبور کردم.

اما قرار نیست همه سربازها فداکار یا دادستان‌ها راستگو و یا پناگاه‌ها امن یا بال‌ها سالم باشند. اصلاً شاید دلیل نبودن انگیزه در مطالعه، تنهایی و فقدان آشنایی با کتاب خوب باشد.

آخر میدانی کتاب خواندن زمانی، همین مکتوبات با نقش‌های رنگارنگ بود اما حالا که نیمی از روزگارمان را در شبکه‌های محبوس در مستطیلی جذاب، گذر می‌کنیم، نه می‌توانیم به سادگی ادعا کنیم کتاب نمی‌خوانیم، نه می‌توانیم بپذیریم که آنچه می‌کنیم مطالعه نیست.

سرم را بلند و نگاهی به اطراف می‌کنم. خدای من! به کجا آمدم؟ محو شده در اتمسفر افکار متوجه هیچ چیز نبوده‌ام.

باید مسیر اشتباه آمده را بازگردم. کجا اشتباه را ادامه دادم؟ نقشه‌یاب ذهنم شروع به جستجو می‌کند. به گمانم همه‌چیز از همان کتاب‌های دست‌فروشی شروع شد. باید بازگردم!...

گاهنامه فرهنگی اجتماعی سیاسی دغدغه | صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان مستقل دانشگاه علامه طباطبائی (ره)، دانشکده علوم اجتماعی

مدیر مسئول و سردبیر: محمد امین برغمندی | جانشین سردبیر: مهدیه احمدی | ویراستار: حنا سادات مطلبی

طراحی و صفحه‌آرایی: سارا حائری | هیئت تحریریه: نرگس رضائی، فاطمه حکیم زاده، زهرا سادات شهیدی، یاس حکمت